

باسمه تعالی

ب. تفاوت در تفسیر «عقلاء»..... ۱

موضوع: حجج و امارات / سیره / مقام اول / جهت اول

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه قبل بحث از سیره عقلاء شروع شد. در جهت اول، تعریف سیره عقلاء مطرح شد که به یک تفاوت در نظر مشهور با نظر مختار اشاره شد. در این جلسه تفاوت دیگر بیان می‌شود.

در جلسه قبل گفته شد در نظر مشهور سیره همان سلوک مشترک بین تمام مردم و انسان‌های عاقل است، که در نظر مختار فقط مورد تأیید بودن تمام عقلاء کافی است. به عنوان مثال اگر مجوسی با محرم ازدواج نماید، نزد تمام عقلاء صحیح است، و اگر مسلمانی خمر بفروشد نزد تمام عقلاء معامله باطل است. پس مراد این است که بطلان و صحت مورد قبول عقلاء باشد، نه اینکه آن معامله مورد عمل عقلاء باشد. این تفاوت اول بین نظر مشهور با نظر مختار است.

ب. تفاوت در تفسیر «عقلاء»

در نظر مشهور «عقلاء» جمع «انسان عاقل» است، که هر انسان یک فرد از افراد عقلاست. انسان عاقل به معنای عاقل به عقل عملی است. اگر سیره عقلاء بر امری باشد، هر انسان عاقل این اعتبار را دارد. به عنوان مثال اگر حیازت در سیره عقلاء سبب ملکیت باشد، پس هر انسان عاقل که از عقل عملی تبعیت نماید، اعتبار ملکیت برای شخص حیازت کننده می‌کند. البته هر انسان عاقلی که از قوه عاقله تبعیت کند و آن قوه هم به خطا نرفته باشد یعنی قوه عاقله وی مغلوب نشده و یا کوتاه‌بین و دچار خطا نشود! اگر قوه عاقله خطا نکند، همه انسان‌ها طبق سیره عقلاء عمل می‌کنند (زیرا اگر خطا نباشد، قوه عاقله همیشه حرف واحدی دارد)، به عنوان مثال «ظلم» نزد عقلاء قبیح است یعنی تک تک انسان‌های عاقل که از عقل عملی تبعیت می‌کنند نیز ظلم را قبیح می‌دانند. این تفسیر مشهور از عنوان «عقلاء» است.

۱. در حکمت قوه عاقله دچار خطا نمی‌شود، مگر مغلوب قوه‌ای از قوای دیگر مانند قوه شهویه شود. این خطای قوه عاقله نیست بلکه خطای قوه عاقله مغلوبه است. نظیر این مطلب در حرکت طبیعی و قسری گفته شده است. اگر سنگ به سمت بالا پرتاب شود، بالا می‌رود. طبیعت سنگ اقتضای حرکت به سمت مبدأ زمین دارد، اما به سبب اثر قسری به سمت بالا می‌رود. در این صورت اگر اثر قسر تمام شود، دوباره به سمت زمین برمی‌گردد. اگر قوه عاقله دچار فریب قوه شهویه شود به سمت شهوت می‌رود، و اگر اثر قوه شهویه از دست برود قوه عاقله به واقع مطلب می‌رسد؛ اما اصولیون قابلیت خطا برای قوه عاقله را قبول نموده‌اند حتی اگر مغلوب نشود. پس قوه عاقله ممکن است دچار قصور و خطا شود.

همانطور که در مباحث قبل اشاره شد، این تفسیر از «عقلاء» صحیح نیست. توضیح اینکه در نظر مختار «عقلاء» مجموعه‌ای از انسان‌ها هستند که در اثر زندگی اجتماعی، خواسته و یا ناخواسته به سلوکی خاص رسیده‌اند. بنابراین «عقلاء» اسم جمع بوده، و تک‌تک انسان‌ها فردی برای «عقلاء» نخواهند بود. پس حاصل زندگی اجتماعی انسان‌ها که هر یک عضو مجموعه هستند، برخی از سلوک‌هاست که «سیره عقلاء» نام دارد. به عبارت دیگر سیره عقلاء توافقی بین اذهان نیست، بلکه نتیجه عادی زندگی اجتماعی است (به عنوان مثال زبان نیز یک پدیده است که توسط کسی به وجود نیامده بلکه نتیجه قهری زندگی اجتماعی انسان است. زبان از آواهای بسیط شروع شده و به این زبان پیچیده رسیده؛ نه اینکه مثلاً کسی نام «درخت» را برای این شیء انتخاب نکرده و نام «کوه» را برای آن شیء گذاشته باشد)!

۱. در نظر فلاسفه «قوه عاقله» یک موهوب الهی است که خداوند متعال در انسان‌ها قرار داده اما در حیوانات دیگر (حتی در مانند مورچه که دارای زندگی اجتماعی هستند) قرار نداده است؛ اما در علم امروز طبیعیات این قوه هم حاصل زندگی اجتماعی است که در هزاران سال قبل بوده است. البته اینکه این کلام فی نفسه صحیح است یا نه، خارج از بحث است.